

تصادف خودروی فرمانده سپاه پاسداران خوی



گروه حوادث: خودروی حامل

فرمانده سپاه خوی که همراه هیاتی برای بازدید از روند آواربرداری مناطق زلزله زده و آخرین وضعیت زلزله‌زدگان به این منطقه رفته بود در مسیر بازگشت دچار سانحه شد و دو نفر از همراهانش به شهادت رسیدند.

به گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران خوی، روز یکشنبه ۱۷ مهرماه خودروی سردار سرتیپ دوم پاسدار محمدباقر علایی فرمانده سپاه خوی در مسیر خوی وضعیت ناخوش روایی به این منطقه فوت کرده و سردار علایی برای مداوا و ادامه درمان در بیمارستان بستری است که برابری نظر کادر درمان وضعیت عمومی سردار علایی مطلوب بوده است. در این حادثه دو نفر از همراهان فرمانده قرارگاه تانکیکی اباعبدالله الحسین(ع) و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان خوی، شهید شدند.

گروه حوادث/ مرد میانسال که پس از کشتن

همسرش و تکه تکه کردن جسد او متواری شده بود، پس از ۲ ماه فرار در یکی از بوستان‌های پایتخت دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه سه‌شنبه ۲۸ تیر امسال پسر جوانی با پلیس تماس گرفت و از کشف جسد مادرش داخل حمام خانه خبر داد. ساعتی بعد نیز بازپرس محمد جواد شفیعی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند. آنها با ورود به ساختمان و داخل حمام با پیکر خونین زنی ۵۰ ساله به نام مهوش مواجه شدند. آثار خون داخل آشپزخانه نیز حکایت از آن داشت که زن میانسال در آنجا به قتل رسیده و جسد به حمام منتقل و مثله شده است.

متخصصان پزشکی قانونی زمان مرگ را حدود ۱۰ ساعت قبل از کشف جسد و علت مرگ را اصابت جسمی سنگین به سر اعلام کردند. طبق تحقیقات صورت گرفته از سه فرزند مقتول و ناپدید شدن همسرش و باتوجه به اینکه آثار ورود فردی غریبه به خانه دیده نمی‌شد این احتمال برای تیم جنایی مطرح شد که عامل جنایت همسر مقتول به نام بهروز است. در تحقیقات از همسایه‌ها نیز مشخص شد که صدای درگیری زوج میانسال را در روز حادثه شنیده‌اند و همین موضوع مهر تأییدی بر آن بود که بهروز عامل این جنایت است.

تحقیقات برای دستگیری مرد میانسال ادامه داشت تا اینکه با گذشت یک ماه از جنایت، یکی از فرزندان مقتول در تماس با پلیس مدعی شد که پدرش به شرکت او آمده اما بعد از چند لحظه دوباره متواری شده است. بررسی‌ها هم‌چنان ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت سرانجام پس از گذشت ۲ ماه از این جنایت هولناک موفق شدند رد مرد میانسال را در یکی از پارک‌های پایتخت به‌دست آورند و

اعتراف شوهر عصبانی

به قتل هولناک همسر و سواسی

شنبه گذشته او با ز داشت گفتند.

مرد میانسال در تحقیقات اولیه به قتل همسر خود اعتراف کرد و به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داده شد. تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

چه شد که همسرت را به قتل رساندی؟
قصدم کشتن او نبود. در تمام ۳۷ سالی که با هم زندگی کردیم حتی یک سیلی هم به همسرم نزده بودم. همسرم سال‌ها بود که از بیماری وسواس رنج می‌برد. مثلاً اگر دست به دستگیره در می‌زدی باید ۶ مرتبه دستگیره را تمیز می‌کرد. برای من این‌که تحت درمان بود اما وسواسش خوب نشده بود.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟
سر همین وسواس با هم جرم و جحتمان شد. میز آشپزخانه را تعمیر کرده بودیم و به همین دلیل یک چکش برای تعمیر داخل آشپزخانه بود که وقت نکرده بودم آن را به انباری انتقال دهم. روز حادثه که دوایمان شد، از روی عصبانیت ناگهان چکش را برداشتم وچند ضربه به سر همسرم زدم. به خودم که آمدم او را خونین داخل آشپزخانه دیدم.

چرا جسد را مثله کردی؟

من همسرم را کشته بودم و هیچ کاری از دستم بر نمی‌آمد. می‌خواستم جنازه را از خانه بیرون برم به همین دلیل به داخل حمام انتقال داده و جسد را مثله کردم. اما زمانی که خواستم جسد را بیرون ببرم، متوجه شدم که زمان بازگشت بچه‌ها به خانه است. از طرفی بیرون هم شلوغ شده بود و ممکن بود همسایه‌ها مرا در آن حالت ببینند.

در این مدت کجا بودی؟

داخل پارک‌ها می‌خوابیدم. هر شب در یک

پارک می‌خوابیدم تا نتوانند دستگیرم کنند. ولی در این مدت یک لحظه هم آرامش نداشتم. خواستم خودم را معرفی کنم اما می‌ترسیدم قصاص شوم.

چه شد به سراغ پسرتر رفتی؟

می‌خواستم با او صحبت کنم. آرامش نداشتم، اما پسرم با دیدن من حالش بد شد و شروع به گریه کرد. به قدری حال او بد شد



پارک می‌خوابیدم تا نتوانند دستگیرم کنند. ولی در این مدت یک لحظه هم آرامش نداشتم. خواستم خودم را معرفی کنم اما می‌ترسیدم قصاص شوم.

چه شد به سراغ پسرتر رفتی؟

می‌خواستم با او صحبت کنم. آرامش نداشتم، اما پسرم با دیدن من حالش بد شد و شروع به گریه کرد. به قدری حال او بد شد

مطمئن بودم که دروغ می‌گوید با چوب ضربه محکمی به سرش زدم و بعد هم با چاقو گلویش را بریدم تا اینکه اکبر به داخل کانال آب افتاد و من و برادر هم فرار کردیم.
با اعترافات صریح متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و در ادامه نوید به جایگاه رفت تا از خودش دفاع کند اما اتهامش را انکار کرد و با معرفی برادرش نادر به عنوان عامل قتل گفت: یک ماه پیش از ماجرا همسر نادر به خانه ما آمد و عنوان کرد اکبر به او تعرض کرده است.با اینکه خبرلی عصبانی شده بودم از زن برادرم خواستم موضوع را به کسی نگویم تا خودم فکری کنم، یک ماه بعد نادر با من تماس

درگیری مرگبار در بند ۸ زندان لاکان

گروه حوادث/ دادستان عمومی و انقلاب

مرکز استان گیلان ماجرای فرار زندانیان از زندان لاکان رشت را تکذیب کرد.سیدمهدی رفتارهای مشکوک پرسنل شدم. هر چه فلاح میری صبح دیروز درباره ماجرای درگیری روز یکشنبه میان چند زندانی در زندان لاکان رشت به ایرنا، گفت: تعدادی از زندانیان بند قلبی شده است. در نهایت هم وقتی از وضعیت همسرم باخبر شدم، خودم با به بیمارستان تماس گرفتم و همسرم را به بیمارستان منتقل کردیم.

او ادامه داد: پزشکان و پرستاران مدعی شدند بعد از عمل جراحی همسرم به هوش آمده اما ناگهان حالش وخیم شده است. اما وقتی از آنها خواستیم که فیلم دوربین‌ها را نشان دهند مدعی شدند دوربینی ندارند که بشود ادعای آنها را بررسی کرد. تنها موضوعی که کمی ما را آرام می‌کند این است که اعضای بدن مجبویه را اهدا کرده‌ایم. همسرم زنی نخبه و باسواد بود، او رتبه زیر ۷۰کنکور بود و لیسانس تکنولوژی معماری داشت اما به خاطر سهل‌انگاری کادر این کلینیک جانش را از دست داد و من از آنها شکایت دارم و پیگیر هستم.

با توجه به شکایت خانواده مجبویه از کادر درمان کلینیک، به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران، پرونده با قرارعدم صلاحیت به دادسرای جرایم پزشکی انتقال داده شد.

عمل جراحی بینی داشت.وقتی همسرم به اتاق عمل رفت بعد از مدتی متوجه رفتارهای مشکوک پرسنل شدم. هر چه از آنها می‌پرسیدم جواب نمی‌دادند و نمی‌گفتند که همسرم دچار ایست قلبی شده است. در نهایت هم وقتی از

بیمارستان تماس گرفتم و همسرم را به بیمارستان منتقل کرده و نزارع شدیدی در گرفت که در اثر این درگیری چند نفر فوت کرده و تعدادی نیز مجروح شدند.وی ادامه داد: متأسفانه با بالا گرفتن درگیری میان این افراد، منازعه و دعوا به راهروی زندان کشیده شد و با پیوستن تعداد دیگری از زندانیان، فضای این بخش از رشت متشنج شد و تعدادی از زندانیان تأسیسات موجود در راهرو و سالن زندان را تخریب کرده و به آتش کشیدند. در پی این حادثه، مأموران در محل حاضر شدند و برای آرام و پراکنده کردن زندانیان از گاز اشک آور استفاده کردند تا این آشوب پایان یابد.

دادستان مرکز استان گیلان خاطر نشان کرد: متأسفانه با توجه به قطعی برق که به دلیل تخریب تأسیسات توسط آشوبگران انجام شد و ممانعت از خدمات‌رسانی به مجروحان توسط زندانیان، برخی از مجروحان فوت کردند و باقی برای مداوا به بیمارستان منتقل شدند. بدین ترتیب آرامش به زندان برگشت و در حال بررسی تعداد دقیق فوتی‌ها و مجروحان این حادثه هستیم که به محض مشخص شدن، تعداد فوتی‌ها و مجروحان اعلام خواهد شد.

■ سه شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۲۳۳۸۰

دوگانگی‌ها، منشأ تجری به قانون

سردار حسین رحیمی

رئیس پلیس پایتخت

قانون‌مداری در تعریف کلی به مجموعه‌ای از التزام‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که آحاد جامعه باید به حقوق و تکالیف مشخصی در عرصه زندگی اجتماعی پایبند باشند. جامعه‌ای قانون‌مدار تلقی می‌شود که همه افراد جامعه خود را مکلف به انجام وظایف قانونی بدانند و در مقابل مطالبه‌گر تکالیفی باشند که باید از سوی حکومت و حاکمیت برای آرامش، امنیت و رفاه زندگی اجتماعی آنان انجام شود. این روند سالم و چرخه طبیعی زندگی در یک جامعه قانون‌مدار است، اما ممکن است گاهی اوقات این مسیر منحرف شده، از دور سالم و صحیح خود خارج شود که با بروز مشکل در هر کدام از جنبه‌های این روند، شاهد نمایش انواع بی‌قانونی در جامعه خواهیم بود، اینجاست که لزوم حضور نهادهای نظارتی و قوای قهری‌ای مانند پلیس در جامعه معنا می‌یابد.

از آنجا که قانون مهم‌ترین مؤلفه یک نظام اجتماعی است و همگان به رعایت آن فراخوانده می‌شوند در مقابل برای حفظ و حراست از قوانین، عمل بر مدار قانون و برخورد با قانون‌گریز و هنجارشکن در همان قانون نیروهایی تعریف می‌شوند که موظفند با قانون‌شکنان برخورد سلبی و قهری داشته باشند که مهم‌ترین این نیروها، پلیس، به‌عنوان ضابط عام و برقرارکننده و حافظ امنیت و آرامش در جامعه است؛ در جامعه ما که به قوانین آن مبتنی بر دین مبین اسلام و برگرفته از کتاب آسمانی قرآن و سیرة انمه اطهار (علیهم السلام) است، موضوع قانون‌مداری و پایبندی به قانون تا حد زیادی می‌تواند رویکرد فرهنگی و آموزشی نیز داشته باشد، چرا که دین و عمل به فرائض دینی که قوانین نیز بر مبنای آن نگاشته شده از اولین گام‌های یک کودک برای ورود به جامعه که همان مدرسه باشد، به وی آموزش داده شده و درواقع احکام و مبانی دین در فرد نهادینه می‌شود، این جامعه‌پذیری، رعایت هنجارها و توجه به احکام و مبانی دین و در نهایت قوانینی که براساس این دین نوشته شده موجب می‌شود تا در نهایت و پس از طی دوران مختلف آموزشی، فردی به جامعه تزریق شود که دین و قانون را توأمان دارد.

اما متأسفانه شکاف‌های مختلف میان فضا‌های آموزشی، زندگی واقعی و در سال‌های اخیر با پررنگ‌تر شدن نقش رسانه‌های نوظهور و سیطره بیشتر اینترنت، استفاده بیشتر از فضای مجازی و البته تأثیرگذاری بسیار بالای این فناوری موجب شده تا کمتر شاهد آموزش دین و قانون به‌صورت ملمغمه‌ای شفافیشخ برای جامعه باشیم و برای تأیید این نکته می‌توان به همین اعتراضات اخیر اشاره کرد؛ متأسفانه در حال حاضر شاهد کم‌کاری و بعضاً بی‌عملی دستگاه‌های فرهنگ‌ساز و آموزشی هستیم، چرا که اگر بواقع هرکدام از این دستگاه‌ها به‌صورت یکپارچه به وظایف خود عمل کرده و در راستای نهادینه‌سازی قوانین و دین حاکم بر این کشور به‌صورت وحدت‌آفرین عمل کرده بودند و دین و قوانینی را که براساس آن است بدرستی آموزش داده بودند امروز شاهد ساختار شکنی‌ها وی قانونی‌هایی در این سطح گسترده نبودیم.

البته توجه به این نکته ضروری است که باید «همه» قوانین و «همه» دین در جامعه اجرا شود، چرا که در صورت نقصان و چشمپوشی بر جرایمی که تحت عنوان جرایم یقه سفیدها شناخته می‌شوند و اغماض برای برخی افراد، جامعه را با دوگانگی مواجه کرده و حق تجری از قانون را به همه می‌دهد؛ دوگانگی‌های پیش آمده آنجا شدت می‌گیرد که مردم همیشه در صحنه و پای انقلاب که هر یک شهیدی تقدیم این انفجار نور کرده‌اند، می‌بینند که سال‌ها شعار دوری از استکبار را داده‌اند اما فرزندان مسئولان و حتی برخی از خود مسئولان در همان کشورهای مستکبر در حال کار و زندگی هستند، زینده نیست جامعه‌ای که قرار است پرچم دین را ان‌شاءالله به دست صاحب آن امام زمان (عج) برساند هرروز شاهد اختلاس‌های جدید از بی‌المبالا باشد؛ این دوگانگی‌هاست که گاه مردم را بر سر آرزش‌هایشان سست می‌کند وگرنه مردمی که هنوز از جبهه‌های حق علیه باطل و هشتت سال جنگ تحمیلی برایشان شهید تازه تفحص شده می‌آورند، در شهرها و در مقابل اغتشاشگران جوان می‌دهند تا دشمن شاد نشویم و حتی در دفاع از حرم راه شهدا تا برمی‌گزینند، نمی‌خواهند که جامعه‌شان به دست عده‌ای مزدور با سادولوح بیفتد.

نهایتاً آنکه، مسیر صحیح فرهنگ‌سازی و قانون‌مداری از مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز می‌گذرد نه پلیس که ذاتاً نیرویی سلبی برای مقابله با هنجارشکنان است، اگر به درهم آمیختگی دین و قانون در کنونمان ایمان داشته باشیم و هر کدام از نهادها وظایف خود را به بهترین شکل ایفا کنند جامعه‌ای گلستان و مدینه‌ای فاضله خواهیم داشت.

جانشین فرمانده کل انتظامی کشور:

اعتراض حق مردم اما شورش خط قرمز پلیس است

گروه حوادث: جانشین فرمانده کل انتظامی کشور آزادی در اعتراض را به شرط آنکه برخی از آن سوء استفاده نکنند، حق مردم دانست.

سردار قاسم رضایی، جانشین فرماندهی کل انتظامی صبح دیروز در چهاردهمین نشست فرماندهی انتظامی کشور با واپسنگان نظامی و افسران رابط پلیس کشورهای خارجی که در شهرک آزمایش تهران برگزار شد، گفت: همه در ایران می‌توانند به طور آزاد اعتراض کنند، اما برخی از افراد هستند که می‌خواهند از اعتراض سوء استفاده کنند، اعتراض حق مردم است اما زمانی که به شورش تبدیل می‌شود، خط قرمز پلیس خواهد بود. اگر پلیس ایران می‌خواست در تجمعات صرفاً نظامی عمل کند، جور دیگری رفتار می‌کرد. مردمی که به خیابان‌ها می‌آیند بیشتر تماشاگر هستند و تعداد کمی مزدور و تروریست هستند. ما در کنشوری زندگی می‌کنیم که پایه آن اسلام است و سکاندار این نظام ولی فقیه است. جمهوری اسلامی ایران سه قوا به عناوین ارتش، سپاه و فرماندهی انتظامی دارد که هر قوا مسئولیت‌های مشخصی دارد اما همه با هم پیوسته‌اند و در راستای آرامش جامعه و امنیت داخلی تلاش می‌کنند.

رضایی گفت: تنها کشوری که هم مأموریت پلیسی و هم مأموریت مرزبانی انجام می‌دهد، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی است و به همین دلیل مجموعه انتظامی مجموعه‌ای فرایلمسی است.

جانشین فرمانده کل انتظامی کشور فرجا گفت: حاکمیت و حکومت ایران مردمی است. ایران یک کشور خشک نظامی نیست، اما کشورهای استکباری این موضوع را برعکس جلوه می‌دهند. در اغتشاشات اخیر اظهار نظرهای غیرکارشناسی انجام شد و ابهاماتی ایجاد کرد و خوراکی به امریکا، رژیم صهیونیستی و منافقین داد. حتماً دستگاه عدل و قضایی به این موضوع رسیدگی خواهد کرد.

وی ادامه داد: جمعیتی که به خیابان آمدند در مقایسه با جمعیت کلی هیچ هستند و بخش اعظمی از آنها احساسی‌اند. البته در آنها افرادی هستند که مزدورند. در دستگیری‌های ما افرادی مرتبط با کومله‌ها، منافقین و... دستگیر شدند. پلیس تجمعات قانونی را حمایت می‌کند و پوشش می‌دهد. اما زمانی که از این اعتراضات سوء استفاده شود، دیگر اعتراض نیست و اغتشاش است. قانون به ما گفته که مسئول مقابله با هنجارشکنان هستیم.

رضایی گفت: بیش از دو هزار نفر از همکاران ما در روزهای اخیر مجروح شدند و سه نفر نیز شهید دادیم اما هیچ کدام از اینها دلیلی بر مجاشات ما با اغتشاشگران نیست.